



بررسی تاثیر متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی (شاخص های حکمرانی خوب) بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)

محمد رضا شریف آزاده^۱ - اکبر کمیجانی^۲ - تیمور محمدی^۳ - اکبر باقری^۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۶

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی تاثیر متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی (شاخصهای حکمرانی خوب) بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) می باشد. به این منظور، پس از بررسی مبانی نظری اقتصاد نئوکلاسیکی و نهادگرایی (قدیم و جدید) و نیز پیشینه تحقیق، در گام بعد، متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی، براساس مدل اقتصادسنجی داده های تابلویی برای ۲۴ کشور توسعه یافته مذکور طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ مدنظر قرار گرفته است. تخمین مدل تحقیق به روش ترکیبی در قالب هفت معادله (معادله اول دارايمتغیرهای نئوکلاسیکی و شش معادله دیگر شامل متغیرهای نهادی در کنار شاخص های حکمرانی خوب بطور مجزا)، برای کشورهای توسعه یافته نشان داد که متغیرهای نئوکلاسیکی شامل، سهم سرمایه ثابت ناخالص به عنوان درصدی از GDP واقعی (GFC)، سهم مخارج مصرفی نهایی واقعی سرانه به عنوان درصدی از GDP واقعی (FCE) و سهم جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان درصدی از GDP واقعی (FDI)، به جز برخی مقاطع برای FCE و FDI در هر هفت معادله تخمینی، مثبت و معنادار بوده است. البته شدت تاثیر و معناداری متغیر GFC از متغیرهای FCE و FDI بر نرخ اشتغال کشورهای منتخب بیشتر بوده است. از طرفی تمام متغیرهای نهادی بر نرخ اشتغال این کشورها اثر مثبت و معناداری داشتند بطوریکه شاخص کنترل فساد، حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی دولت، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات و ثبات سیاسی، رتبه های اول الی ششم را از حیث شدت میزان تاثیرگذاری بر نرخ اشتغال این کشورها به خود اختصاص داده اند. در پایان نیز پیشنهادات کاربردی جهت ارتقاء نرخ اشتغال کشورهای مورد بررسی براساس توجه به رویکرد نهادگرایی (با تاکید بر حکمرانی خوب) ارائه شده است.

طبقه بندی JEL: E24, F63, O11, C33, C87

واژگان کلیدی: نرخ اشتغال، دیدگاه نئوکلاسیکی، دیدگاه نهادگرایی، حکمرانی خوب، کشورهای توسعه یافته عضو OECD، داده های تابلویی

^۱ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران (مسئول مکاتبات) Mr.sh.azadeh@gmail.com

^۲ استاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران

^۳ دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران

^۴ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه اقتصاد، تهران، ایران

۱- مقدمه

در مباحث اقتصادی امروز شاید بتوان گفت اینکه یک کشور برای حصول به توسعه از طریق انتخاب کدام استراتژی و با توجه به متغیرها و شاخص‌های پیشنهادی کدام مکتب اقتصادی باید عمل نماید، از پیچیده‌ترین مباحث و چالشها باشد. از این حیث البته می‌توان اذعان نمود که اکثر استراتژیها و نظریات اقتصادی بر افزایش تولید و نرخ اشتغال با هدف دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر تاکید دارند. لذا به نظر می‌رسد چالش اصلی در تمرکز نظریات و الگوهای اقتصادی بر عوامل (متغیرهای) اثرگذار بر نرخ اشتغال (موردنظر این تحقیق) می‌باشد. بررسی سیر تاریخی و تکاملی نظریات اقتصادی نشان می‌دهد که جایگاه دولت (از ظهور مکتب کلاسیک گرفته تا دوران دولت بزرگ، سپس تسلط مجدد نظریه دولت حداقلی (دهه ۱۹۸۰ تا نیمه اول دهه ۱۹۹۰) که همراه بروز بحرانهای عمیق در سیر پولی و مالی بود و سرانجام اقتصاد نهادگرایی جدید در دوره تجدید حیات دولت)، بطور هدفمند و هوشمندانه‌تری تعریف و نهادینه شده است بطوریکه بر اساس اقتصاد نهادگرایی در تعامل با سایر نهادها (نهاد بازار و جامعه مدنی) قابلیت دستیابی به سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل و متعاقباً کاهش هزینه‌های مبادله را کسب نموده است. از طرفی ظهور مفهوم حکمرانی خوب و شاخص‌های اندازه‌گیری شده آن (به واسطه تلاشهای کافمن و همکاران وی در دهه ۹۰) و اثبات تاثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی کشورها توسط آنها نشان داد که می‌تواند در چارچوب عقاید و اهداف اقتصاد نهادگرایی مطرح گردد. در این راستا بررسی مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته نیز بیانگر تاثیر مثبت شاخصهای شش گانه حکمرانی خوب، بر رشد اقتصادی کشورها بوده است. لذا نتایج مذکور در کنار ارتباط و همسویی تنگاتنگ مباحث اقتصاد نهادگرایی با مفاهیم توسعه پایدار، توسعه انسانی و توجه آن به مفاهیم و روابط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ...، از یک سو و نیز کمبود ساختاری متغیرهای نئوکلاسیکی لازم برای ارتقاء نرخ اشتغال و تولید (از سویی دیگر)، محقق را برآن داشت تا در قالب آزمون فرضیه های تحقیق (شامل، فرضیه اول: «متغیرهای نئوکلاسیکی، بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD مؤثر و معنادارند.» و فرضیه دوم: «شاخصهای حکمرانی خوب (متغیرهای نهادی) بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD مؤثر و معنا دارند»، به بررسی تاثیر متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی (شاخصهای حکمرانی خوب) بر نرخ اشتغال کشورهای مورد مطالعه بپردازد، بطوریکه تحقیقاً بر ضرورت

توجه بیشتر کشورهای مورد مطالعه (و تعمیم آن به سایر کشورها؛ به خصوص در حال توسعه) به متغیرهای نهادی (با تاکید بر شاخص‌های حکمرانی خوب) در کنار متغیرهای نئوکلاسیکی جهت حصول به نرخ اشتغال بالاتر و رشد اقتصادی بیشتر در مسیر پر فراز و نشیب توسعه، بسیار تاکید نماید.

۲- مبانی نظری تحقیق

۱-۲- دیدگاه نئوکلاسیکی

بطور کلی الگوهای رشد نئوکلاسیک نسبت به الگوهای "کینزی" هارود و دومار گامی به پیش بود. این الگوها با دخالت دادن قیمت عوامل و جایگزینی عوامل تولید امکان ژرف تر نمودن الگوی پیشین را فراهم ساخت و توانست مشکل بی ثباتی "لبه تیغ چاقو" در طرح هارود_ دومار را حل کند. در دهه ۱۹۵۰، رابرت ام. سولو الگویی را توسعه داد که به صورت ابزار استاندارد مطالعات مربوط به رشد اقتصادی در آمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهاده های عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. رشد جاری ممکن است نتیجه افزایش میزان نهاد از یک یا هر دو عامل تولید باشد. برونزا بودن عوامل رشد در چارچوب رشد نئوکلاسیک جایی را برای سیاست اقتصادی در تأثیر گذاردن بر نرخ تعادلی بلند مدت رشد اقتصادی در نقطه مقابل انتقال های کوتاه مدت بین حالت های به اصطلاح ثابت، باقی نمی گذارد. با وجود این، گروه سوم الگوهای رشد از سوی رومر (۱۹۸۶) و لوکاس (۱۹۸۸) مطرح شدند و نرخ رشد را به طور درونزا به وسیله پارامتر های (عوامل) داخل الگو تعیین می کردند. الگوهای رشد درونزا، در جهت های مختلفی توسعه یافته اند. به طور مثال، فرض را بر وجود اثرات خارجی سرمایه گذاری (به اصطلاح اثر سر ریز ۴) گذاشته، به طوری که ذخایر سرمایه ملی بازدهی فزاینده دارند در حالیکه در سطح بنگاه اقتصادی بازدهی ثابت است (تفضلی فریدون، ۱۳۸۱) با اینکه نظریه های جدید رشد، رشد پایدار و پیشرفت تکنولوژی را درونزا کرده اند، اما توضیح آنها از تفاوت های درآمدی مشابه نظریه های پیش از خود است. برای نمونه در مدل رومر (۱۹۹۰)، یک کشور در صورتی پیشرفته تر از دیگری است که منابع زیادی را به اختراعات و ابداعات اختصاص داده باشد. اما چه ویژگی اساسی است که دارایی و تکنولوژی را برای

شکل می گیرد. بطور کلی مکتب نهادگرایی قدیم معتقد بود که نهادها یک عامل مهم در تبیین رفتارهای اقتصادی تأثیرگذار برای آنها هستند اما در این مکتب فکری به ندرت تحلیل های دقیق و چارچوب نظری وجود داشت. این مکتب، متفاوت با اقتصاد نئوکلاسیک عمل می کرد و اصولاً در آن نظریه ای کمی در کار نبود تا از دل آن حکم کلی معتبری استخراج شود یا مجموعه ای از انتخابهای درست برای سیاستگذاری بدست آید. (تفضلی، فریدون، ۱۳۸۱)

لذا، نهادگرایی جدید با تأکید بر فقدان محتوای نهادی در هسته مرکزی نظریه نئوکلاسیک مطرح شد و بطور صریح بر هزینه های مبادله، توجه ترکیبی به حقوق، مباحث جامعه شناختی و رواشناختی در کنار مفاهیم اقتصاد، استفاده از ابزارهایی چون نظریه بازیها در مدل سازیها، توجه جدی به حقوق مالکیت معنوی، حقوق قراردادهای و سازمانها و قوانین کسب و کار، تعادل سازنده نهادهای بازار، دولت و جامعه مدنی، محیط کاری رقابتی، توجه به محدودیتهای اطلاعاتی در شکل گیری محدودیتها، عقلانیت و انتظارات، توجه روزافزون به ارزشهای مشتری همچون سرمایه اجتماعی، اعتماد، اجتماع و جامعه مدنی، و... تأکید نمود. بنابراین نهادگرایی مبتنی بر پنج اصل ذیل وجود نهاد دولت و تعامل آن با نهادهای مدنی و بازار آزاد را برای رشد اقتصادی لازم میدانستند. لذا آنها از مفروضات غیرواقعی مانند اطلاعات کامل و هزینه مبادله صفر دست برداشته اما بر تلاش فرد برای حداکثر نمودن مطلوبیت تأکید داشتند.

۱) مؤسسات و نهادها در زندگی اقتصادی مورد تأکید و مؤثرند. نهاد می تواند یک موسسه برای انجام اهدافی خاص باشد (مانند؛ اتحادیه ها، بانکها و... و نیز می تواند الگویی متشکل از رفتار جمعی و یا گروهی جزئی از یک فرهنگ باشد. لذا شامل مؤسسات، رسومات، قوانین، روشهای فکری، عدالت اجتماعی و به طور کلی روش زندگی می گردد. لذا در نهادگرایی گرایش به انجمن ها با تأکید بر رفتارهای گروهی، اهمیت بیشتری نسبت به فردگرایی مدنظر کلاسیکها و نئوکلاسیکها دارد.

۲) اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمامی اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. لذا برای بررسی آن باید تمامی اجزاء باهم مدنظر بوده و مورد مطالعه قرار گیرد در نتیجه فعالیت اقتصادی جامعه مجموع

ایجاد نوآوری ترجیح می دهد؟ پرسشی است پیش روی این مدل ها که قدرت یافتن پاسخ به آن را ندارند. الگوهای درونزای رشد و به تبع آن طرح چنین پرسش هایی علاقه به ترتیبات نهادی و سیاست اقتصادی را به عنوان عوامل سیاسی مؤثر بر رشد اقتصادی دامن زدند و به ظهور ادبیات اقتصاد سیاسی رشد جدیدی منجر شدند که از درهم آمیختگی نظریه جدید "رشد درونزا" و "اقتصاد سیاسی کلان" نوین توسعه یافته است. این دو حوزه پژوهش در نوع خود جدید بوده، به طوری که در ادبیات رشد، نکته تازه و بدیع تلاش برای بررسی رشد اقتصادی به عنوان متغیری درونزا است که تحت تأثیر عوامل چندی ورای پیشرفت فنی و رشد جمعیت است. اقتصاد دانان در حالت کلی انتخاب سیاست را به عنوان متغیری برون زا یا انتخابی از سوی برنامه ریز خیر خواه اجتماعی می پندارند. تازگی رهیافت اقتصاد سیاسی کلان تأکید بر فرایند سیاسی و درگیری های بین افراد به عنوان تعیین کننده های انتخاب سیاسی است (تفضلی، فریدون، ۱۳۸۱). ادبیات جدید اقتصاد سیاسی رشد بر مبنای نظریه های اقتصاد نهاد گرای جدید در سال های پایانی دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ پس از مشاهده نتایج برنامه های تعدیل ساختاری که سر منشأ نئوکلاسیکی داشتند به اوج خود رسید. عوامل سیاسی نظیر بی ثباتی سیاسی، کیفیت دولت، توزیع درآمد، نظام سیاسی و جز اینها که پیش از این مفروض پنداشته می شدند اکنون نقش عامل اصلی را در تبیین عملکرد تفاوت اقتصادی کشورها به خود گرفته اند.

۲-۲- مکتب نهادگرایی (قدیم و جدید)

بطور کلی مکتب نهادی ۶۱ نهادیون معتقد بودند که با اعمال برنامه های اصلاحات اقتصادی با تأکید بر توجه به تعامل کارآمد نهادهای اثرگذار (دولت، نهادهای مدنی و بازار)، امکان حفظ سرمایه داری از طریق بهبود شرایط زندگی برای طبقات کم درآمد و به ویژه توده ها فراهم می آید. این مکتب در سال ۱۹۰۰ توسط توریستن ویلن ۷ پایه گذاری گردید و واژه نهادگرایی اقتصاد نهادگرا نیز نخستین بار توسط والتن هیلتن ۸ در سال ۱۹۱۹ در مقاله ای در همایش انجمن اقتصادی آمریکا مطرح شد. از طرفی اقتصاد نهادگرایی جدید بر مبنای رویکرد هزینه های مبادله رونالد کوز ۹، الیور ویلیامسون ۱۰ و داگلاس نورث ۱۱،

تعداد معاملات و تبادلات خاص سرمایه گذارها) معتقد است که این ابعاد با ساختار حکمرانی نهادی مؤثر بر مبادلات در ارتباط می باشند و بدین ترتیب تحقق مطلوب شاخصهای شش گانه حکمرانی خوب در یک کشور می تواند از طریق کاهش هزینه مبادله (هدف غایی اقتصاد نهادگرایی) افزایش نرخ اشتغال و رشد اقتصادی را به ارمغان آورد.

۲-۳- ادبیات و پیشینه حکمرانی و حکمرانی خوب

یکی از تعاریف حکمرانی تعریفی است که بانک جهانی، کمیته همکاری های توسعه، سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه، برنامه توسعه ملل متحد و موسسات و سازمان های بین المللی توسعه بر آن اتفاق نظر دارند: حکمرانی یعنی « سیستم پیچیده ای از تعاملات بین ساختارها، سنت ها، کارکردها (مسئولیت ها) و فرایندها (عملکردها) که به وسیله سه ارزش کلیدی یعنی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می شود». همچنین، بررسی زمینه های شکل گیری نظریه حکمرانی خوب نشان می دهد که عوامل ذیل در پیدایش این نظریه مؤثر بوده اند:

افزایش بحران های مالی

حذف مداخلات دولت در بازارهای مختلف از جمله بازار مالی یکی از توصیه های دولت حداقل است. از اواخر دهه ۱۹۷۰ آزادی سازی بازارهای مالی در درون کشورها و بین کشورها آغاز شد. در کشورها تعیین نرخ بهره و سهم بخش های اقتصادی که پس از رکود بزرگ در دست دولت ها بود به نظام بازار گذاشته شد. محدودیت های نقل و انتقال ارزی بین کشورها کاهش یافت و سرمایه های بین المللی با آزادی بیشتری میان کشورها مبادله شدند. این تغییرات با افزایش شدید بحران های مالی و پولی در جهان همراه شد. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به طور متوسط هر ساله یک بحران بانکی و ۲/۶ بحران ارزی در جهان رخ می داد اما از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۷ هر ساله ۶/۱ بحران ارزی و ۴/۵ بحران بانکی به وقوع پیوست.

تحول عملکرد اقتصاد جهانی

انتظار می رفت با پذیرش الگوی دولت حداقل در اقتصاد جهانی عملکرد کشورها بهبود یابد. مطالعات مختلف حکایت از عملکرد ضعیف اقتصاد جهانی در دوره ۱۹۸۰ به بعد (که الگوی سیاست گذاری به سوی دولت حداقل تغییر یافت) دارد. مقایسه این دوره با دوره پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۸۰ می تواند تاثیر این سیاست بر اقتصاد جهانی را روشن سازد. بررسی اجمالی وضعیت

تصمیمات فردی برای به دست آوردن حداکثر منافع پولی نیست بلکه فراتر از آن رفته و ناشی از فعالیتهای جمعی می شود.

۳) نظریه تکامل داروین (Darvin) در آنالیز اقتصادی باید مورد استفاده قرار گیرد زیرا جامعه و نهادهای آن دائماً در حال تغییرند. لذا به جای تعادل ایستای مدنظر کلاسیکها و نئوکلاسیکها که در آن کشف حقایق ابدی و ازلی اقتصاد مطرح می باشد، در نظریه نهادگرایی، تفاوت های مکانی و زمانی و تغییرات دائمی نهادها را مبتنی بر تکامل نهادهای اقتصادی می داند و معتقد است که این مقوله، زمینه اصلی تحولات اقتصادی است. لذا بر اصل سلسله علل یا تغییرات تراکمی تأکید دارد که نهایتاً منجر به تحقق اهداف اجتماعی- اقتصادی مثبت یا منفی می گردد. لذا مستلزم توجه به علم سیاسی، اجتماعی، فلسفه، روانشناس اجتماعی، تاریخ، اقتصاد سیاسی و... می باشد.

۴) مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک و اساساً مکاتب مبتنی بر نظام سرمایه داری در نظریات و فرضیات خود معتقد به هماهنگی در منافع افراد جامعه هستند در حالیکه در مکتب نهادی، انسان موجودی اجتماعی و تعاونی است که برای فقط منافع متقابل و مشترک خود با دیگران اقدام به تشکیلات گروهی می کند اما تضاد منافع نیز میان منافع گروههای مختلف جامعه نظیر بنگاههای بزرگ در مقابل بنگاه های کوچک، مصرف کننده در مقابل تولیدکننده، کشاورز در مقابل شهرنشین و... به وجود می آید. لذا دولت باید تضادهای مربوط به رفاه عمومی و عملکرد ناکارآمد سیستم اقتصادی را رفع نماید.

۵) مکتب نهادی از برنامه اصلاحات اجتماعی به منظور توزیع عادلانه تر ثروت و درآمد حمایت می کند و لذا علاوه بر پذیرش عقاید کلاسیک ها مبنی بر اینکه قیمت های بازار می توانند بدون دخالت دولتها منجر به تخصیص بهینه منابع و درآمدها شوند، همچنین به نقش دولتها به واسطه اعمال هزینه های اجتماعی برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد معتقد است.

با توجه به اصول مذکور، شاخص های شش گانه حکمرانی خوب نیز می توانند در جهت تامین دموکراسی و ایجاد و تقویت سرمایه های اجتماعی (مانند: اعتماد) بر هزینه های مبادله تأثیر گذاشته و در قالب مباحث اقتصاد نهادگرایی جدید بر نرخ اشتغال و رشد اقتصادی مؤثر باشند. بطوریکه ویلیامسن با درک ابعاد مهم مبادله (عدم اطمینان،

لذا، با توجه به موارد فوق الذکر، سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدولوبتون^{۱۲}، یافته های موسسات مختلف بین المللی همچون EIU^{۱۳}، ICRG^{۱۴}، بنیاد هریتیج^{۱۵} و خانه آزادی^{۱۶} پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص های حکمرانی معرفی نموده اند. (شریف آزاده محمد رضا و بحرینی محمد حسین، ۱۳۸۲). این محققان کار خود را با این فرضیه آغاز کردند که «چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آنها حاکمیت در یک کشور اعمال می شود، در رشد و توسعه آن کشور مؤثرند» کافمن و همکارانش این رسوم و نهادها را حکمرانی نامیده و ابعاد مختلف آن را با معرفی شش شاخص زیر مورد بررسی قرار داده اند. شاخص های موردنظر عبارتند از:

- ۱- شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی ۲- شاخص ثبات سیاسی، پرهیز از خشونت و تروریسم ۳- شاخص اثربخشی دولت ۴- شاخص کیفیت قوانین و مقررات ۵- شاخص حاکمیت قانون ۶- شاخص کنترل فساد

بانک جهانی همچنین، مجموعه گسترده تری از سیاست ها و اقدامات را برای تقویت حکمرانی و بهبود آن پیشنهاد می کند. دو سازو کار اصلی پیشنهادی بانک جهانی برای بهبود حکمرانی، تقویت رقابت و پاسخگویی است که کاربرد آنها در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دایره بسیار گسترده ای از سیاست ها، از اصلاح سیستم قضایی و آموزش و پرورش تا نظام مناقصات دولتی را منتج ساخته است. با استفاده از شاخص های حکمرانی، کارشناسان بانک جهانی تاثیر این شاخص ها را بر متغیرهای مختلف اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. بررسی های کارشناسان این بانک نشان می دهد که شاخص های حکمرانی تاثیر معنا داری بر رشد اقتصادی دارند. در یک مطالعه جامع در مورد تاثیر این شاخص ها بر رشد اقتصادی در ۱۷۷ کشور معادله زیر برآزش گردید:

$$Y_j = \alpha + \beta g_j + e_j$$

Y_j : لگاریتم درآمد سرانه

g_j : شاخص حکمرانی

e_j : جزء خطا

نتایج تخمین که حاصل اطلاعات مربوط به ۱۷۷ کشور است در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. ضرایب این برآزش نشان می دهد که تاثیر شاخص های حکمرانی بر رشد اقتصادی معنادار و بسیار قابل توجه هستند. تحقیقات موردی در کشورهای مختلف نیز نشان می دهد که این

اقتصادی این دو دوره نشان می دهد که عملکرد دوره دوم بدتر از دوره نخست بوده، نرخ رشد اقتصادی در اکثر کشورهای جهان کاهش و نابرابری افزایش یافته است. با استفاده از بانک اطلاعاتی بانک جهانی، نرخ رشد اقتصادی پنج گروه از کشورهای جهان در دو مقطع تاریخی در جدول شماره (۱) آمده است. افزایش نابرابری، یکی دیگر از واقعیت های اقتصادی دو دهه گذشته است.

جدول شماره (۱). نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

گروه های مختلف

گروه	تعداد کشورها	۱۹۷۹-۱۹۶۱	۱۹۹۹-۱۹۸۰
کشورهای کم درآمد	۶۴	۴/۲۳	۳/۸۸
کشورهای متوسط روبره پایین	۵۵	۵/۴۷	۳/۸۴
کشورهای متوسط رو به بالا	۳۸	۵/۹۵	۲/۸۴
کشورهای ثروتمند عضو OECD	۲۳	۴/۷۴	۲/۵۷
کشورهای ثروتمند غیر عضو OECD	۲۷	۴/۴۷	۲/۵۷

منبع: بانک اطلاعاتی بانک جهانی

عملکرد اقتصادی کشورهای در حال گذر

پس از فروپاشی بلوک شرق، الگوی اقتصادی این کشورها از برنامه ریزی متمرکز به اقتصاد بازار تغییر یافت. در این کشورها به سرعت شرکت های دولتی به بخش خصوصی واگذار شد و مداخله ی دولت در قیمت ها و سایر امور اقتصادی به شدت کاهش یافت. هر چند انتظار می رفت گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار با مشکلاتی روبرو باشد، اما آن چه در حوزه ی اقتصاد در این کشورها به وقوع پیوست به معنای واقعی کلمه یک فاجعه ی اقتصادی بود. شاخص های اقتصادی کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق را در دهه ۱۹۹۰ نشان می دهد که در برخی از این کشورها مانند گرجستان و مولداوی این نسبت ۳۱ درصد است که به معنای از بین رفتن ۶۹ درصد تولید ناخالص داخلی پس از اصلاحات است. تنها در دو کشور اسلونی و اسلواکی اندکی رشد (یک و پنج درصد) مشاهده می شود. نرخ تورم نیز در عموم این کشورها بسیار نامطلوب است. در برخی از این کشورها نرخ تورم سه رقمی و در اکثر آنها دو رقمی است. کاهش تولید ناخالص داخلی و تورم بالا همراه با افزایش فقر و نابرابری بوده است.

۳-۱- بررسی مطالعات داخلی

شیبانی ابراهیم و افشاری زهرا (۱۳۸۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اثر رشد بخشی بر اشتغال زنان در ایران (با استفاده از روش داده-ستانده)» به این نتیجه دست یافته‌اند که با توجه به ساختار فعلی بخش خصوصی، تداوم این فرآیند در ایجاد شغل برای زنان با آموزش متوسط و پایین تر اثر مثبت دارد، ولی اثر آن در خلق شغل برای زنان دارای تحصیلات عالی محدود است، به علاوه، بخش صنعت (منسوجات) بالاترین ضریب اشتغال را برای زنان بی سواد دارا می‌باشد. در مورد زنان با تحصیلات متوسطه بخش بهداشت و در مورد زنان دانش‌آموخته دو بخش آموزش عالی و آموزش و بهداشت دارای بالاترین ضریب اشتغال می‌باشند.

ترکمانی جواد و جمالی مقدم الهام (۱۳۸۵)، در تحقیقی تحت عنوان اثر قیمت سوخت مصرفی بر اشتغال نیروی کار در بخش کشاورزی به بررسی رابطه بین تغییر در سطح اشتغال با تغییر در قیمت سوخت مصرفی در بخش کشاورزی ایران در قالب رابطه علی، با بهره‌گیری از معیار خطای پیش‌بینی نهایی برای سالهای ۱۳۵۰ الی ۱۳۸۰ پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که در طول دوره مورد بررسی، با افزایش تکنولوژی و ارزش افزوده در بخش کشاورزی، اشتغال بخش کشاورزی کاهش یافته است. افزون بر آن، قیمت سوخت مصرفی اثر معنی‌داری بر اشتغال بخش کشاورزی نداشته است.

شیرین بخش، شمس‌اله (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان، اثرات سیاست پولی بر سرمایه‌گذاری و اشتغال سعی دارد تا ارتباط و تأثیر سیاست پولی بر دو متغیر مهم اقتصاد ایران، یعنی سرمایه‌گذاری و اشتغال را مورد بررسی قرار دهند. پس از برآورد این الگوی VAR نتایج بدست آمده واکنش دو متغیر سرمایه‌گذاری و اشتغال به تکان ناشی از اعتبارات، نرخ ارز و عرضه پول را فاقد اعتبار آماری نشان داد. از طرف دیگر با توجه به آنالیز واریانس مربوط به دو متغیر سرمایه‌گذاری و اشتغال، مشخص گردید که کمترین سهم، متعلق به متغیرهای سیاست‌های پولی بوده است.

بیدآباد، بیژن (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان، ارتباطات بین بخشی و هدفگذاری افزایش اشتغال کشور، با بررسی روابط بین بخشی بر اساس بررسی‌های مبتنی بر جدول داده-ستانده سال ۱۳۷۰، نشان دادند که برای ایجاد یک میلیون شغل جدید تقاضای نهایی بخش کشاورزی باید به میزان ۲۰ هزار میلیارد ریال یا ۱۶٪ افزایش یابد. چنانچه صادرات کالاهای کشاورزی حدود ۲٫۳ میلیارد دلار افزایش یابد، یک میلیون شغل جدید در اقتصاد کشور ایجاد می‌شود.

شاخص‌ها علاوه بر رشد سرانه بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند فقر و نابرابری، سرمایه‌گذاری، و کسری بودجه بسیار تأثیرگذار می‌باشند. (World Bank, 2000).

جدول شماره (۲). تأثیر متغیرهای حکمرانی بر درآمد

سرانه

شاخصها	β	S.E.	F
پاسخگویی و حق اظهارنظر	۰/۸۸۸	۰/۱۰۹	۲۳/۰۲۵
ثبات سیاسی و عدم خشونت	۱/۳۹۴	۰/۱۷۷	۶/۳۰۱
اثربخشی دولت	۱/۱۰۲	۰/۱۲۸	۱۲/۰۸۰
بازار مالی مقررات	۱/۱۳۳	۰/۱۴۳	۱۸/۸۱۳
حاکمیت قانون	۱/۳۳۵	۰/۱۷۹	۷/۹۸۳
مبارزه با فساد	۰/۹۹۰	۰/۱۱۲	۱۲/۰۶۹

منبع: Daniel Kuafman, 1999:26

از طرفی، UNDP معتقد است حکمرانی دارای سه بعد یا رکن اقتصادی، سیاسی و اداری است. بعد "اقتصادی" شامل فرایندهایی است که فعالیت‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اقتصاد کشورهای دیگر در ارتباط است. بعد "سیاسی" همان فرایندهای تصمیم‌گیری برای تنظیم سیاست‌ها است. بعد "اداری" نیز همان سیستم اجرای خط مشی‌هاست. آنچه که حائز اهمیت است، ترکیب سه بعد مذکور می‌باشد که فرایندها و ساختارهایی را مشخص می‌سازد که روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را راهبری و هدایت می‌کند.

۳- پیشینه تحقیق

در جستجوی مقالات لاتین و مطالعات مرتبط با اشتغال، در زمینه تأثیر عوامل نهادی بر اشتغال، تحقیقی مشاهده نشد. البته اثر این عوامل بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای مختلف، مطالعات محدودی صورت گرفته که از جمله می‌توان به تحقیقات کافمن و همکاران وی در سال ۲۰۱۰ و مواردی از این قبیل اشاره نمود. لکن با توجه به اینکه متغیر وابسته مورد نظر در این تحقیق، نرخ اشتغال می‌باشد، به برخی از مطالعات داخلی و خارجی مرتبط که عوامل نئوکلاسیکی مؤثر بر نرخ اشتغال را مدنظر قرار داده‌اند، می‌پردازیم:

قوی نیست، ولی تعطیلی آن موجب از دست رفتن بیش از ۲۲۵۲۴۶/۸ فرصت شغلی می‌شود.

میلادی لاری نسیم و صامتی مجید (۱۳۸۷)، در مقاله خود تحت عنوان، بررسی آثار آزادسازی براشتغال زایی صنعت بیمه ایران، با استفاده از تحلیل رگرسیون و آزمون علیت و آزمون پایایی و سریهای زمانی (۲۰۰۱-۱۹۶۱) در صنعت بیمه کشور ایران به تخمین و برآورد مدل مناسب پرداخته است که نتایج حاصله عبارتند از: ۱- آزادسازی در افزایش اشتغال صنعت بیمه مؤثر است. ۲- حق بیمه سرانه اثر کاهشی بر اشتغال صنعت بیمه دارد. ۳- حق بیمه دریافتی و ارزش افزوده بیمه، اثر افزایشی بر اشتغال صنعت بیمه دارد. در پایان پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت بیمه در ایران ارائه شده است.

نظری محسن و گوهریان فاطمه (۱۳۸۱)، در مقاله خود تحت عنوان، بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخشهای عمده اقتصادی در ایران (۷۸-۱۳۴۵) معتقدند سیاستهای پولی، مجموعه تصمیمات و اقدامات مقامات پولی کشور در کنترل عرضه و تقاضای پول برای تأثیرگذاری بر سطح فعالیتهای اقتصادی می‌باشد. همچنین در این مقاله بین متغیرهای اشتغال، حجم نقدینگی، مطابقت سیستم بانکی از بخش دولتی و بخش غیر دولتی برای ایران طی دوره ۷۸-۱۳۴۵ از روابط همجمعی استفاده شده و نتایج حاصل از این برآوردها نشان دهنده آن است که تغییر عرضه پول از طریق تغییر حجم نقدینگی و پرداختی به بخش غیردولتی با تغییر اشتغال در بخشهای تولیدی، دارای رابطه مستقیم می‌باشد؛ در واقع افزایش اعتبارات پرداختی به بخش غیر دولتی باعث افزایش اشتغال در بخشهای تولیدی می‌گردد و مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی با اشتغال کل، اشتغال بخش کشاورزی و اشتغال بخش صنعت رابطه معکوس و با اشتغال بخش خدمات رابطه مستقیم دارد.

کهزادی نوروز و بلالی حمید (۱۳۸۱)، در تحقیقی تحت عنوان، بررسی رابطه بلند مدت اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی ایران از طریق آزمون هم انباشتگی ARDL و آزمون یوهانسن، رابطه بلند مدت و همگرایی سری زمانی اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی را با استفاده از آمار سری های زمانی ۷۵-۱۳۴۵ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که بردار همگرایی مستقل بین دو متغیر وجود دارد و در نتیجه یک رابطه بلند مدت مثبت بین بر دو متغیر وجود دارد.

عبدلی قهرمان و ورهرامی ویدا (۱۳۸۸)، در مقاله خود تحت عنوان، بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال و تمایل به کار

جعفری صمیمی احمد و آذرمنند حمید (۱۳۸۳)، در مقاله با عنوان، «بررسی تأثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای جهان، به بررسی ارتباط نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعیین کننده انگیزه ها و محدودیتهای فعالیتهای اقتصادی پرداخته اند و بدین طریق بخش عمده ای از تفاوت در نرخ های سرمایه گذاری و رشد اقتصادی بین کشورها را توضیح داده اند. در این تحقیق آزادی اقتصادی و شاخص موسسه فریزر به عنوان یکی از متغیرهای نهادی مؤثر بر رشد در نظر گرفته شده و نتیجه تحقیق بیانگر اثر مثبت و معنادار آن بر رشد اقتصادی می باشد.

شهنازی روح اله (۱۳۸۴)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با استفاده از مدل اسکیتون (۲۰۰۴) به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر کیفیت نهادی سرانه و اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سالهای ۲۰۰۳-۱۹۸۰ در ۸۷ کشور پرداخته است. نتیجه تحقیق بیانگر اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه کل نمونه و به تفکیک کشورهای کم درآمد، درآمد متوسط و پردرآمد است.

رضایی مهدی (۱۳۸۶)، در مقاله ای تحت عنوان، «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ایران» در مقایسه با چین، برزیل، مالزی از روش توصیفی مقایسه ای استفاده نموده است. در این تحقیق نتیجه شده است که اولاً عملکرد ایران از نظر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و شاخصهای حکمرانی خوب در مقایسه با سایر کشورهای منتخب مورد مطالعه موفق نبوده است و ثانیاً، عدم موفقیت مذکور ناشی از کیفیت پایین حکمرانی خوب در ایران بوده که نهایتاً منجر به افزایش مخاطره بالای سیاسی در ایران شده و به این ترتیب هزینه معاملاتی ناشی از نااطمینانی در ایران را نیز افزایش داده و مزیت مکانی ایران را در گام بعدی تنزل داده است.

رنانی محسن، طیبی سیدکمیل و اربابیان شیرین (۱۳۸۹)، در مقاله خود تحت عنوان، اشتغال غیررسمی و رقابت پذیری صنایع با فناوری پایین، برای دوره زمانی ۱۳۷۷-۱۳۸۲ نشان دادند که در فعالیت های صنعتی با سطح فناوری پایین، بنگاه می تواند با استفاده از روش های استخدامی غیررسمی، رقابت پذیری خود را افزایش دهد.

کشاورزحداد غلام رضا (۱۳۸۳)، در مقاله ای تحت عنوان، اهمیت بخش خدمات مالی در اقتصاد کشور (بررسی تحلیلی اثرات تعطیلی موسسات مالی، بانکداری و بیمه در تولید و اشتغال)، خدمات مالی را در کل اقتصاد کشور، که به ۴۱ بخش تکلیک شده، به عنوان بخش تلقی نموده و ثابت نمودند که پیوندهای این صنعت با دیگر بخشها چندان

روی سرمایه گذاری دارند. ثبات سیاسی به عنوان یکی از مهمترین جنبه های حکمرانی در رابطه بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری خصوصی مطرح است. افزایش در سرمایه گذاری مستقیم خارجی در رژیم های ثابت سیاسی تاثیر عمده ای در کاهش سرمایه گذاری خصوصی دارد، اما سرمایه گذاری کل را افزایش می دهد.

مطالعه روپر (۲۰۰۱)^{۱۷}، با عنوان "ایجاد و نابودی اشتغال در ایرلند شمالی" در سال ۲۰۰۱ با هدف اصلی ۱۹۹۳ صورت - برآورد اشتغال ایجاد شده و نیز اشتغال از بین رفته در ایرلند شمالی در دوره ۲۰ ساله ۷۳ گرفته است. نتیجه این مطالعه نشان م ی دهد که بنگاه های کوچک (بنگاه های با ۵۰ کارکن) تنها اندازه ای هستند که در آنها خالص ایجاد اشتغال مثبت بوده است. این در حالی است که در میان بنگاه های بزرگ تر اشتغال از بین رفته بیش تر از اشتغال ایجاد شده است. با این وجود، بیشترین اشتغال ایجاد شده (البته به صورت ناخالص) در بین بنگاه های بزرگ بوده است. این موضوع بدان معنا است که سهم اندکی از کل اشتغال در بنگاه های کوچک تمرکز یافته است. افزون بر این، نتیجه ارزشمند این مطالعه آن است که جریان اشتغال در بنگاه های کوچک از روندی با نوسانات اندک برخوردار بوده است، در حالی که این روند در بنگاه های بزرگ با نوسانات دوره ای مشاهد می شود.

مسیح و همکاران (۱۹۹۷)^{۱۸}، با استفاده از الگوهای تصحیح خطای برداری، به بررسی (مسیح و مسیح رابطه علیت گرنجری بین مصرف انرژی، قیمت ها و درآمد واقعی در دو کشور کره و تایوان پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که نرخ تغییر قیمت ها سبب تغییر در مصرف انرژی و منجر به تغییر در رشد اقتصادی می گردد.

یانگ (۲۰۰۰)^{۱۹}، علیت گرنجری بین مصرف انرژی و تولید ناخالص ملی در تایوان را (یانگ ۱۹۹۷- با استفاده از آزمون استاندارد علیت گرنجری و داده های سری زمانی ۱۹۵۴ مورد آزمون مجدد قرار داد. او هم چنین رابطه علیت گرنجری بین تولید ناخالص داخلی و مصرف حامل های انرژی شامل زغال سنگ، نفت، گاز طبیعی و الکتریسیته را نیز آزمون کرد. بر این اساس، وی نتیجه گرفت که یک رابطه علیت گرنجری دوطرفه بین مصرف نهایی انرژی و تولید ناخالص داخلی و یک رابطه علیت گرنجری دوطرفه بین تولید ناخالص داخلی، مصرف الکتریسیته و زغال سنگ وجود دارد، اما از تولید ناخالص داخلی به مصرف نفت و هم چنین از مصرف گاز به تولید ناخالص داخلی، رابطه علیت گرنجری یک طرفه وجود دارد.

زنان متاهل در شهر تهران با تاکید بر متغیرهای اقتصاد، به بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به کار همسران مردان شاغل در ادارات دولتی در شهر تهران پرداخته و اثر اشتغال مردان را روی تمایل به کار و نوع شغل همسرانشان بررسی نمودند. نتایج این بررسی نشان داد که استفاده از بیمه های درمانی یکی از عواملی است که بر تمایل به کار زنان مؤثر است. پس اگر زنی همسرش، تحت پوشش بیمه درمانی بوده و از درآمد خوبی نیز برخوردار باشد، تمایل کمتری به کار کردن دارد. متغیرهای دیگری مثل سن، تحصیلات زن و شوهرش، درآمد ماهانه شوهر و تعداد فرزندان آنها بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام وقت و نیمه وقت مؤثر است که اثرگذاری این عوامل به خصوص بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام وقت بیشتر است.

جلایی اسفندآبادی سیدعبدالمجید و جاودان ابراهیم (۱۳۸۹)، در مقاله ای تحت عنوان، تاثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران، تابع تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی را برای دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۰ مورد برآورد قرار داده و نشان دادند که، آزادسازی تجاری در کوتاه مدت و بلندمدت تاثیر منفی بر اشتغال بخش کشاورزی ایران داشته است. لذا، محققین در این تحقیق پیشنهاد می نمایند که سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها در کشور باید به گونه ای باشد که آثار منفی و تهدیدهای ناشی از آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران را کمینه کند.

۳-۲- مطالعات خارجی:

موریسی (۲۰۱۲)، در مقاله ای با عنوان، «حکمرانی، سرمایه گذاری خصوصی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه» از داده های سالانه برای ۴۶ کشور در حال توسعه را در طول دوره زمانی ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۹ به منظور بررسی این امر که آیا سرمایه گذاری مستقیم خارجی، با سرمایه گذاری بخش خصوصی جایگزین خواهد شد و آیا اجزای جایگزین حکمرانی بر رابطه بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری خصوصی تاثیر متفاوتی خواهد داشت یا خیر، استفاده نموده است. نتایج نشان داد که سرمایه گذاری کل (سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری خصوصی) در کشورهایی با حکمرانی خوب بیشتر است، در اینجا تراکم جابجایی (جابجایی سرمایه گذاری مستقیم خارجی با سرمایه گذاری خصوصی داخلی) و میزان توسعه این جابجایی به نوع حکمرانی مربوط می شود. انحراف و عدم ثبات سیاسی نوعی از شاخص های حکمرانی می باشند که تاثیر عمده ای بر

براون و همکاران (۲۰۱۱)^{۲۳}، در مقاله ای با عنوان، مقایسه اثر بخشی کمک های مالی در اشتغال، یک مدلی پویا از استخدام و تفکیک را ابداع کرده و با استفاده از داده هایکشور آلمان به این نتیجه رسیده است که تضمین استخدام می تواند تضمین کننده نقطه کارایی تقریبی رفاه باشد در حالیکه کمک های مالی با دستمزد پایین، بیانگر نقطه کارای تقریبی رفاه نیستند. به علاوه تضمین های استخدامی که در عدم استخدام بلند مدت هدفگذاری می شوند بسیار موثرتر از آنهایی هستند که در کارکنان با توانایی پایین هدفگذاری خواهند شد.

بلاسکو(۲۰۱۳)^{۲۴}، در مقاله ای تحت عنوان، سیاست های اشتغال، فعالیت های استخدام و عملکرد بنگاه ها، بیان می دارد که برنامه ریزان سیاست بازار نیروی کار چگونه بر استراتژی های استخدام در بنگاه های اقتصادی و عملکرد این بنگاه ها تاثیر گذار خواهند بود. لذا با توجه به آزمایشات متعددی که در دانمارک در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ انجام شد، دریافتیم که بنگاه های اقتصادی کوچک با محدودیت استخدام، نحوه فعالیت های استخدامی خود را با توجه به کارگران استخدام نشده و تجربیات سایر بنگاه های اقتصادی تغییر می دهند. بنگاه های اقتصادی موثر نیز هیچ گونه تغییر یا کاهشی در ارزش افزوده و یا عامل تاثیرگذاری در میزان بهره وری خود در طول اولین سال فعالیتشان تجربه نمی کنند. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که کنترل و راهنمایی، الزام و اضطراری را بوجود می آورد که می تواند احتمال بهبود فرایند تطبیق مورد انتظار در فرایند تحقیق در مشاغل را خنثی سازد.

۴- تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

۴-۱- متغیرها و مدل تحقیق

در این تحقیق، متغیرهای مستقل و وابسته در قالب مدل کلی ذیلدر طول سالهای ۲۰۱۱-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار می گیرند. درحالت کلی برای مدل رگرسیون ترکیبیدر این تحقیق داریم:

$$EMit = \beta_1 GFCit + \beta_2 FCEit + \beta_3 FDIit + \beta_4 Zitt + \epsilon it$$

بطوریکه :

EMit: نرخ اشتغال برای مقطع ام در سال t ام ، GFCit: سهم سرمایه ثابت ناخالص به عنوان درصدی از GDP واقعی FCEit: سهم مخارج مصرفی واقعی سرانه به عنوان درصدی از GDP واقعی FDIit: سهم جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان درصدی از GDP واقعی

گلاشر(۲۰۰۲)^{۲۰}، به بررسی ارتباط بین مصرف انرژی و درآمد واقعی در اقتصاد ۱۹۹۰، پرداخت. گلاشر، بیان می کند که کشور کره با توجه به داده های سال های ۱۹۶۱ عدم وجود ارتباط بین درآمد ملی و مصرف انرژی در مطالعات قبلی، به علت عدم حضور متغیرهای تأثیرگذار بر درآمد ملی برمی گردد. نتایج حاصل از مطالعه او، یک ارتباط دوطرفه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی را برای کشور کره نشان داد. استفاده از روش تجزیه واریانس نشان داد که سیاست ه ای پولی و مالی انبساطی بر درآمد ملی و مصرف انرژی، اثر مثبت دارد، اما بیش ترین تأثیر بر درآمد ملی و مصرف انرژی در کره از سوی قیمت های نفت است .

اوه لیو دیگران (۲۰۰۴) ، به بررسی رابطه علیت بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در کشور کره با استفاده از داده های سال های ۱۹۹۹-۱۹۷۰ پرداختند. نتایج حاصل از آزمون علیت در کوتاه مدت و بلندمدت نشان داد که رابطه علی دوطرفه بین مصرف انرژی و تولید ناخالص داخلی در بلندمدت برقرار است . در کوتاه مدت ارتباط از طرف انرژی به تولید ناخالص داخلی است.

البرفلد، گوتز و استاهل^{۲۱} (۲۰۰۴)، در مقاله ای تحت عنوان، سرمایه گذاری مستقیم عمودی خارجی، رفاه و اشتغال، تاثیر FDI عمودی بر اشتغال در کشور مبدأ و مقصد را بررسی کرده اند. در این تحقیق ، یک تابع هزینه تشکیل می شود، که داده ها یا عوامل به ترتیب دستمزد نیروی ، Wu و Ws عبارتند از : نیروی کار ماهر، نیروی کار غیرماهر ، که کار ماهر و غیرماهر در کشور مبدأ است. آن ها نشان می دهند که تعداد شرکت های چند ملیتی و میزان تولید شرکت های چند ملیتی، بر تقاضا برای نیروی کار در کشور مبدأ تاثیر مثبتی داشتند.

"تانگ و دیگران (۲۰۰۹)^{۲۲} ، در مطالعه ای اثر سیاستهای پولی و تورم را بر اشتغال مورد بررسی قرار دادند. آنها معتقدند که اثر تورم "کانال اثرگذاری دیگری است که رابطه بین تورم محلی و قیمت نفت را بیان میکند. وقتی تورم یا افزایش هزینه ناشی از افزایش قیمت مشاهده می شود، یک سیاست پولی انقباضی میتواند تولید بلندمدت را بدتر کند. چرا که نرخ بهره افزایش یافته و سرمایه گذاری کاهش می یابد. در واقع با رشد قیمت نفت و فرآورده های نفتی و به دلیل بالا رفتن هزینه های تولید، قیمت تمام شده محصولات تولیدی و خدمات بالا رفته و موجب بروز تورم در کشور میشود. در صورتی که دولت بخواهد سیاستهای پولی انقباضی را اجرا کند، در نهایت موجب بدتر شدن وضعیت سرمایه گذاری به دلیل رشد نرخ بهره میشود که به تبع آن اشتغال نیز کاهش خواهد یافت.

متغیر FDI، وضعیت کمی فرق می‌کند. با توجه به جدول ملاحظه می‌گردد که هر چند در اکثر مقاطع (بیش از نیمی از مقاطع) علامت ضریب مربوط به FDI، مثبت و معنادار است لکن در سایر موارد منفی شده است. هر چند از این حیث نیز اکثر ضرائب منفی، معنادار نبوده‌اند. همچنین قابل ذکر است که با توجه به آزمون F لیمر، روش اثرات مشترک (روش ترکیبی) به عنوان روش تخمین مناسب و منتخب گردید. R^2 و DW نیز در هر هفت معادله وضعیت مناسبی دارند. بنابراین با توجه به حصول نتایج موردانتظار برای متغیرهای GFC و FCE (علامت مثبت و معنادار ضرایب آنها) و بطور تردآمیز و تقریبی برای متغیر FDI (ضریب مثبت و معنادار برای برخی مقاطع) می‌توان فرضیه اول را پذیرفت. به عبارت دیگر می‌توان پذیرفت که متغیرهای نئوکلاسیکی، بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD مؤثر و معنادارند بطوریکه این اثر مثبت برای متغیر GFC نسبت به متغیر FCE و برای متغیر FCE نسبت به FDI از شدت تاثیر بیشتر و معناداری بالاتری برخوردار است. همچنین، با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره (۳) برای آزمون فرضیه دوم نیز حاوی نکات جالب توجهی می‌باشد. بطوریکه معادله دوم نشان می‌دهد که ضریب متغیر نهادی حق اظهارنظر مردم و پاسخگویی دولت، مطابق پیش‌بینی، مثبت و معنادار است. از حیث میزان اثر نسبت به سایر شاخص‌های حکمرانی، مقدار این ضریب بعد از میزان ضریب کنترل فساد در رتبه دوم است. نکته دیگر اینکه تمامی ضرائب مربوط به سایر شاخص‌های حکمرانی خوب (سایر متغیرهای نهادی) در معادلات سوم تا هفتم، مطابق انتظار، مثبت و معنادار است. این امر ضمن تایید فرضیه دوم، همچنین بیانگر این مطلب است که هر قدر در یک کشور توسعه یافته عضو OECD، دولت پاسخگوتر و کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و عمیق‌تر و فساد محدودتر باشد (وجود حکمرانی خوب) نرخ اشتغال بالاتر خواهد بود. جدول شماره (۴) نیز ترتیب تاثیرگذاری مثبت و معنادار شاخص‌های مذکور را نشان می‌دهد.

Zit: برداری از شاخص‌های شش گانه حکمرانی خوب برای مقطع t ام در سال t ام که در بطور جداگانه در شش معادله در کنار متغیرهای نئوکلاسیکی مؤثر بر نرخ اشتغال، بررسی می‌شوند. Eit: جمله خطا

البته لازم به ذکر است که مدل منتخب پس از آزمونهای F لیمر و هاسمن آنالیز خواهد شد. داده‌های شاخص‌های حکمرانی خوب نیز بین $-2/5$ و $+2/5$ (ونیز به درصد بین صفر تا ۱۰۰) رتبه بندی شده اند از بانک اطلاعات بانک جهانی می‌باشند. که البته در این تحقیق از کمیت صفر تا صد به دلیل همگن نمودن مقیاس اندازه‌گیری مشابه با متغیر وابسته مد نظر قرار گرفته است. از طرفی قابل ذکر است که برخی معتقدند (گلوبروشاپیرو؛ ۲۰۰۲) با توجه به همبستگی بالا میان اجزاء شش گانه حکمرانی خوب، نمی‌توان آنها را در کنار یکدیگر به عنوان متغیرهای توضیحی آورد. لذا، برای بررسی تأثیر هر یک از شاخص‌های شش گانه حکمرانی خوب بر جامعه آماری موردنظر در کنار متغیرهای نئوکلاسیکی، هفت معادله را برآورد می‌کنیم. یعنی معادله اول مدلی است که فقط شامل متغیرهای نئوکلاسیکی است و در معادله دوم، اولین شاخص حکمرانی خوب در کنار متغیرهای نئوکلاسیکی تخمین زده می‌شود و همینطور تا شاخص ششم در معادله هفتم که در کنار متغیرهای نئوکلاسیکی قرار گرفته است.

۴-۲- تخمین معادلات مدل پانل و آزمون فرضیه‌های تحقیق

جدول شماره (۳) نتایج تخمین مدل منتخب تحقیق را به روش ترکیبی (اثرات مشترک) برای بررسی اثر متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته عضو OECD (که به ترتیب از شماره ۱ الی ۲۴ در نرم افزار Eviews معرفی شده و شامل: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، کوکزامبورک، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا می‌باشند). برای آزمون فرضیه‌های مورد نظر نشان می‌دهد. براساس نتایج حاصل از تخمین مدل تحقیق برای کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD مشخص می‌گردد که ضریب متغیر نئوکلاسیکی GFC در هر هفت معادله مثبت و معنادار و سازگار با تئوری است. برای متغیر FCE، تخمین‌ها در هفت معادله نشان می‌دهد که در اکثر مقاطع، ضرائب مثبت و معنادار است لکن در مقاطع محدودی علامت ضریب مذکور (برخلاف تئوری) منفی شده که البته از نظر آماری نیز بی‌معنا شده است. از طرفی برای

جدول شماره (۳). تخمین مدل منتخب تحقیق به روش ترکیبی برای آزمون فرضیه های اول و دوم

معادله متغیرها	معادله (۱)	معادله (۲)	معادله (۳)	معادله (۴)	معادله (۵)	معادله (۶)	معادله (۷)
GFC (t) (prob)	۱,۲۹ (۱۷,۲۶) (۰,۰۰۰)	۰,۹۶ (۱۲,۴۱) (۰,۰۰۰)	۱,۱۵ (۱۳,۹۱) (۰,۰۰۰)	۱,۰۰۲ (۱۸,۱۷) (۰,۰۰۰)	۰,۹۹ (۲۱,۲۳) (۰,۰۰۰)	۱,۰۷ (۱۷,۹۲) (۰,۰۰۰)	۰,۸۲ (۱۳,۱۳) (۰,۰۰۰)
CE (t) (prob)	به جز مقاطع ۷، ۱۴ و ۲۱ برای سایر مقاطع مثبت و معنادار	به جز مقاطع ۸ و ۱۷ برای سایر مقاطع مثبت و معنادار	به جز مقاطع ۷، ۱۴ و ۲۱ برای سایر مقاطع مثبت و معنادار	تقریبا مشابه معادلات قبلی	تقریبا مشابه معادلات قبلی	تقریبا مشابه معادلات قبلی	تقریبا مشابه معادلات قبلی
FDI (t) (prob)	برای ۱۰ مقطع منفی شده که ۹ مورد آن بی معناست. برای سایر مقاطع مثبت ولی اکثرا بی معنا	برای ۱۰ مقطع منفی شده که ۹ مورد آن بی معناست. برای سایر مقاطع مثبت ولی اکثرا بی معنا	برای ۱۲ مقطع منفی شده که ۱۱ مورد آن بی معناست. برای سایر مقاطع مثبت ولی اکثرا بی معنا	تقریبا مشابه معادلات قبلی	تقریبا مشابه معادلات قبلی	تقریبا مشابه معادلات قبلی	تقریبا مشابه معادلات قبلی
VA (t) (prob)	---	۰,۴۳ (۱۱,۴۵) (۰,۰۰۰)	---	---	---	---	---
PS (t) (prob)	---	---	۰,۰۶۵ (۴,۶۷) (۰,۰۰۰)	---	---	---	---
GE (t) (prob)	---	---	---	۰,۴۲ (۸,۵۳) (۰,۰۰۰)	---	---	---
RQ (t) (prob)	---	---	---	---	۰,۲۶ (۹,۴۱) (۰,۰۰۰)	---	---

معادله (۷)	معادله (۶)	معادله (۵)	معادله (۴)	معادله (۳)	معادله (۲)	معادله (۱)	متغیرها معادلات
---	۰,۲۷ (۵,۱۶) (۰,۰۰۰)	---	---	---	---	---	RL (t) (prob)
۰,۵۲ (۱۲) (۰,۰۰۰)	---	---	---	---	---	---	CC (t) (prob)
۰,۸۵	۰,۸۸	۰,۸۶	۰,۸۱	۰,۷۹	۰,۸۸	۰,۸۴	R تعدیل شده
۱,۸۷	۱,۸۸	۱,۹۵	۱,۸۰	۱,۸۹	۱,۸۵	۱,۸۶	DW
>۰,۰۵	>۰,۰۵	>۰,۰۵	>۰,۰۵	>۰,۰۵	>۰,۰۵	>۰,۰۵	F برای Prob لیمر
ترکیبی	ترکیبی	ترکیبی	ترکیبی	ترکیبی	ترکیبی	ترکیبی	نتیجه آزمون F لیمر (انتخاب نوع مدل)

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۴). ترتیب شاخصهای حکمرانی خوب از حیث میزان تاثیر آنها بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته عضو OECD

رتبه	شاخصهای حکمرانی خوب (متغیرهای نهادی)
۱	کنترل فساد (CC)
۲	حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی دولت (VA)
۳	اثربخشی دولت (GE)
۴	حاکمیت قانون (RL)
۵	کیفیت مقررات (RQ)
۶	ثبات سیاسی (PS)

منبع: یافته‌های تحقیق

۴- نتایج و پیشنهادات

بطور کلی با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق و همچنین آنالیز تخمین های صورت گرفته، نتایج ذیل بدست آمده است:

- (۱) هر چند متغیرهای نئوکلاسیکی (طبق الگوهای رشد نئوکلاسیکی) تعیین کننده تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها می باشند، لکن مطالعات کافمن و همکاران وی نشان داد که متغیرهای نهادی (با تاکید بر شاخصهای حکمرانی خوب) نیز می توانند این تفاوت را تبیین نمایند. از طرفی اعمال رویکرد نئوکلاسیکی با تاکید بر دولت حداقل طی دهه های ۱۹۸۰ و نیمه اول دهه ۱۹۹۰ نشان داد که اکثر کشورهای جهان با بحرانهای مالی وسیع و هزینه های ناشی از آن مواجه شدند. از طرفی، بررسی جایگاه تاریخی دولتها در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی (دوره دولت بزرگ، دوره دولت حداقلی، دوره تجدید ساخت و احیای دولت با تاکید بر اقتصاد نهادگرایی؛ حکمرانی خوب) نیز گرایش اخیر را بیشتر به سمت نقش عوامل نهادی (با تاکید بر تاثیر آنها بر کاهش هزینه مبادله) نسبت به رویکردهای قبلی نشان می دهد.
- (۲) نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها (فرضیه اول و دوم) و آنالیز مدل اقتصادسنجی تحقیق برای کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD نشان داد که؛

- روش منتخب برای تخمین مدل نئوکلاسیکی و سایر معادلات دارای متغیرهای نئوکلاسیکی همراه با شاخصهای حکمرانی خوب بطور مجزا، براساس روش ترکیبی (اثرات مشترک) و در تحت حالت دوم (یعنی با ضرائب مختص مقاطع و با توجه به رفع ناهمسانی واریانس بین مقاطع) بوده است.
- ضریب متغیر نئوکلاسیکی سهم سرمایه ثابت ناخالص به عنوان درصدی از GDP واقعی (GFC)، در هر هفت معادله تخمین زده شده، مثبت و معنادار و سازگار با تئوری است. برای متغیر نئوکلاسیکی سهم مخارج مصرفی نهایی واقعی سرانه به عنوان درصدی از GDP واقعی (FCE) تخمین ها نشان می دهد که در اکثر مقاطع ضرائب متغیر مربوطه مثبت و معنادار

- است، لکن در مقاطع محدودی علامت ضریب مذکور منفی شده که البته بی معنا بوده است.
- ضرائب مربوط به متغیر نئوکلاسیکی FDI در بیش از نیمی از مقاطع مثبت و معنادار بوده و در سایر مقاطع منفی اما بی معنا شده است.
- با توجه به موارد فوق الذکر، فرضیه اول را بطور تقریبی می توان پذیرفت. به عبارت دیگر تقریباً می توان پذیرفت که متغیرهای نئوکلاسیکی که بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD مؤثر و معنا دارند. البته قابل ذکر است که اثر مثبت برای متغیر GFC نسبت به متغیر FCE و برای FCE نسبت به FDI از شدت بیشتر و معناداری بالاتری برخوردار است.
- ضرائب تمامی متغیرهای شاخصهای حکمرانی خوب مثبت و معنادار است. بطوریکه می توان فرضیه دوم را که بیان می دارد، شاخصهای حکمرانی خوب (متغیرهای نهادی) بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه یافته منتخب عضو OECD مؤثر و معنادارند. البته قابل ذکر است که به ترتیب شاخص کنترل فساد، حق اظهار نظر و پاسخگویی دولت، اثر بخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات و ثبات سیاسی در جایگاه اول تا ششم را از حیث شدت میزان تاثیرگذاری بر نرخ اشتغال این کشورها قرار دارند.

پیشنهادات

- بطور کلی با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق، جهت حصول به نرخ اشتغال بالاتر برای کشورهای مورد بررسی پیشنهادات ذیل ارائه می گردد:
- (۱) توجه به متغیرهای نهادی (بطور خاص، شاخصهای شش گانه حکمرانی خوب مدنظر این تحقیق) در کنار متغیرهای نهادی برای کشورهای توسعه یافته عضو OECD و به خصوص برای کشورهای در حال توسعه توصیه می گردد.
 - (۲) حکمرانی خوب مستلزم رابطه شفاف و قانونمند در سلسله مراتب حکومت است و تنها به بهبود رابطه بین دولت و مردم محدود نمی شود. این رابطه شفاف درون حکومتی و نیز رابطه حکومت با مردم باید به کمک تقویت فرهنگ پاسخگویی دولت، کاهش فساد و تبعیض و نیز حاکمیت قانون محقق

فهرست منابع

- گردد. البته آزادی سیاسی و حق اظهار نظر مردم نیز از این حیث حائز اهمیت فراوان است. در این راستا نظرسنجی مستمر و نظام یافته از مردم در خصوص کیفیت خدمات دولتی در بهبود حکمرانی بسیار مؤثر بوده و برای کشورهای در حال توسعه منیز به عنوان نمادی از مردم سالاری می‌بایست تحقق یابد. همچنین به منظور ایجاد و تقویت رویکرد دموکراتیک دولتها، توجه به عدم تمرکز، ساختار دموکراتیک به جای بوروکراتیک، گسترش ارتباطات و اطلاعات دوسویه، باز و شفاف بین مردم و دولت، قوانین کارآمد و شفاف در کنار نهادینه کردن اطلاع‌رسانی قوی به کمک رسانه‌های آزاد، افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود، تضمین تامین منافع عمومی می‌بایست مدنظر قرار گیرد.
- (۱) شیبانی، ابراهیم و افشاری، زهرا (۱۳۸۰)، اثر رشد بخشی بر اشتغال زنان در ایران (با استفاده از روش داده- ستانده)، تحقیقات اقتصادی پاییز و زمستان شماره ۵۹، صص ۳۷-۶۳.
- (۲) ترکمانی، جواد و جمالی‌مقدم، الهام (۱۳۸۵)، اثر قیمت سوخت مصرفی بر اشتغال نیروی کار در بخش کشاورزی، مجله دانش کشاورزی، گروه اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه شیراز دوره ۱۶(۲)، صص ۱۳-۲۴.
- (۳) شیرین بخش، شمس‌اله (۱۳۸۴)، اثرات سیاست پولی بر سرمایه‌گذاری و اشتغال، پژوهشنامه اقتصادی زمستان ۱۳۸۴؛ دوره ۴ و ۵، پیاپی ۱۹، صص ۲۶۳-۲۷۳.
- (۴) بید آباد، بیژن (۱۳۸۳)، ارتباطات بین بخشی و هدف‌گذاری افزایش اشتغال کشور، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۱۲ شماره ۴۶، صص ۱۰۷-۱۳۵.
- (۵) رنای محسن، طیبی سیدکمیل و اربابیان شیرین (۱۳۸۹)، اشتغال غیررسمی و رقابت پذیری صنایع با فناوری پایین، دانش و توسعه ۱۷ (ویژه نامه): ۲۵۹-۲۸۷.
- (۶) کشاورزحداد غلام رضا (۱۳۸۳)، اهمیت بخش خدمات مالی در اقتصاد کشور (بررسی تحلیلی اثرات تعطیلی موسسات مالی، بانکداری و بیمه در تولید و اشتغال)، پژوهشهای اقتصادی ایران، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۱۵-۱۳۳.
- (۷) میلادی لاری نسیم و صامتی مجید (۱۳۸۷)، بررسی آثار آزادسازی بر اشتغال زایی صنعت بیمه ایران، دانش و توسعه، دوره ۵، شماره ۲۲، صص ۱۲۹-۱۴۷.
- (۸) نظری محسن و گوهریان فاطمه (۱۳۸۱)، بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخشهای عمده اقتصادی در ایران (۷۸-۱۳۴۵)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰، صص: ۱۸۷-۲۰۷.
- (۹) جلائی اسفندآبادی سیدعبدالمجید و جاودان ابراهیم (۱۳۸۹)، تاثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، بخش اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۵۰.
- (۱۰) کهزادی نوروژ و بلالی حمید (۱۳۸۱)، بررسی رابطه بلند مدت اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی ایران از طریق آزمون هم‌انباشتگی ARDL و آزمون یوهانسن، پژوهشهای اقتصادی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۵۱-۶۲.

- employment subsidies, Labour Economics, Volume 18, Issue 2, Pages 168-179.
- 25) Morrissey Oliver (2012), Governance, Private Investment and Foreign Direct Investment in Developing Countries, World Development, Volume 40, Issue 3, March 2012, Pages 437-445.
- 26) Blasco Sylvie, Barbara Pertold - Gebicka (2013), Employment Policies, Hiring Practices and Firm Performance, Labor Economics.

یادداشت‌ها

- ¹ - Solow, Robert. M
² - Roner
³ - Lucas
⁴ - Spillover
⁵ - Acemoglu Daron, Simon Johanson and James Robinson 2004
⁶ - institutional School
⁷ - thorstein Veblen
⁸ - Walton Hamilton
⁹ - Ronald Coase
¹⁰ - Oliver Willamson
¹¹ - Douglass North
¹² - Diniel Kufmann, Aart Kraay, Pivlo.Zoido. Lobaton
¹³ - Economist Intelligence Unit
¹⁴ - International Country Risk Group
¹⁵ - Haritage Foundation
¹⁶ - Freedom House
¹⁷ - Roper, S
¹⁸ - Masih, A.M.M. and Masih
¹⁹ - Yang, H
²⁰ - Oh, W. & K.Lee
²¹ - Elberfeld, walter, Georg Gotz; and Stabler,F
²² - Tang, W., Wu, L. and Zhang, Z. X
²³ - Brown, J.G. Alessio, Christian Merkle, Dennis J. Snower
²⁴ - Blasco Sylvie, Barbara Pertold - Gebicka

۱۱) عبدلی قهرمان و ورهرامی ویدا (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال و تمایل به کار زنان متأهل در شهر تهران با تاکید بر متغیرهای اقتصادی، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۶۹-۱۸۱.

۱۲) تفضلی، فریدون (۱۳۸۱)، تاریخ عقاید اقتصادی، از افلاطون تا دوره معاصر، نشر نی، تهران، صص ۲۳۰-۲۱۶ و ۳۳۹-۳۴۹.

۱۳) شریف آزاده محمدرضا و حسین زاده بحرینی محمدحسین (۱۳۸۲)، تاثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخصهای امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹)، نامه مفید، مهر و آبان، دوره ۹، شماره ۳۸ (اقتصاد)، صص ۱۵۹-۱۹۲.

۱۴) سامتی مرتضی، صامتی مجید، شهنازی روح اله (۱۳۸۵)، تاثیر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی (با رهیافت Panel Data) پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دوره ۶، شماره ۲۰، (ویژه اقتصاد)، صص ۵۹-۸۴.

۱۵) جعفری صمیمی احمد، آذرمنند حمید (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر متغیرهای نهادی اقتصادی در کشورهای جهان، فصلنامه دانش و توسعه، شماره ۱۶، صص ۱۱-۳۶.

۱۶) رضایی مهدی (۱۳۸۶)، تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۸۵-۱۰۴.

- 17) Roper, S.(2001). Job Creation and Destruction in Northern Ireland: Belfast, Northern Ireland Economic Research Centre, Queen's University of Belfast.
- 18) Masih, A.M.M. and Masih, R.(1997), On the Temporal Causal Relationship Between Energy Consumption, Real Income Prices: Some new Evidence from Asian Energy Dependent NICs based on Multivariate Cointegration Approach. Jurnal of Policy Modeling, No.19(4), PP. 417-440.
- 19) Yang, H.Y. (2000), A Note on the Causal Relationship Between Energy and GDP in Taiwan. Energy Economics, No. 22, PP.309-317.
- 20) Glasure, Y.U. (2002), Energy and National Income in Korea: Futher Evidence on the Role of Omitted Variables. Energy Economics, No. 24, PP.355-365.
- 21) Oh, W. & K.Lee. (2004), Causal Relationship Between Energy Consumption and GDP Revisited: The Case of Korea 1970-1999, Energy Economics, No. 26, PP.51-59.
- 22) Elberfeld, walter, Georg Gotz; and Stabler,F (2004), "Vertical foreign direct Investment, welfare and employment" August 2004.
- 23) Tang, W., Wu, L. and Zhang, Z. X. (2009) "Oil Price Shocks and Their Short- and Long- Term".
- 24) Brown, J.G. Alessio, Christian Merkle, Dennis J. Snower (2011), Comparing the effectiveness of